



طالقانی و مدیریت شهری

محمد توسلی، دبیرکل پیشین نهضت آزادی ایران و اولین شهردار تهران پس از پیروزی انقلاب در نشست «طالقانی پس از زندان» با اشاره به عضویت و ریاست شورای انقلاب توسط طالقانی گفت: «هسته اولیه شورای انقلاب پس از دیدار مهندس بازرگان با آقای [امام] خمینی در نوفل لوشاتو در مهر ۵۷ (سفر از: ۲۹ مهر تا ۱۱ آبان) به درخواست آقای [امام] خمینی و با مشورت دکتر یزدی انجام می‌شود. طبیعی است نام آقایان طالقانی و منتظری که زندان بودند در فهرست اولیه نیامده و دعوت نشده باشند. پس از گزارش فعالیت مستقل و شوریایی آقای طالقانی به آقای [امام] خمینی از آقای طالقانی برای عضویت و ریاست شورای انقلاب دعوت بعمل می‌آید. اما ظاهر آقای طالقانی حضور فعالی در جلسات شورای انقلاب نداشتند و عملاً آقای مطهری جلسات شورای انقلاب را اداره می‌کردند. پس از شهادت آقای مطهری در ۱۱ اردیبهشت ۵۸ آقای طالقانی جلسات را تا ۱۹ شهریور ۵۸ اداره می‌کردند.» او در ادامه همچنین به نگاه طالقانی درباره حجاب اجباری اشاره کرد و گفت: «طالقانی در سخنرانی و مصاحبه در ۲۰ اسفند ۵۷ منتشرشده در روزنامه اطلاعات درباره مخالفت با حجاب اجباری که آن روزها توسط گروه‌های افراطی مطرح شده بود و انتهای به‌ویژه در فضای کارکنان دولت ایجاد کرده بود، تصریح می‌کنند که به استناد آیات قرآن و سنت هیچ اجباری در حجاب نیست. این سخنرانی و مصاحبه فضای نسبتاً آرامی را با حمایت بعدی آقای [امام] خمینی ایجاد کرد.» در بخش دیگر این سخنرانی به نقش طالقانی در حل و فصل درگیری‌های کردستان اشاره شد. در بخشی از آن آمده است: «از اواخر اسفندماه ۵۷ درگیری‌هایی در کردستان به ویژه در شهر سنندج اتفاق افتاده بود. با تصمیم شورای انقلاب هیأتی شامل آقای طالقانی همراه آقایان بهشتی، هاشمی‌فسنجانی و ابوالحسن بنی‌صدر در فروردین ۵۸ وارد سنندج شدند و ضمن گفت‌وگو با گروه‌های مختلف و سپس تشکیل شورای شهر و جلب مشارکت همه گروه‌ها در مدیریت شهری زمینه آرام‌سازی نسبی آن استان را فراهم ساختند.» توسلی درباره روز فوت آیت‌الله طالقانی نیز چنین می‌گوید: «در صبح روز ۱۹ شهریور آیت‌الله طالقانی دیداری با ولادیمیر کوزیچکین، مأمور سازمان اطلاعات و جاسوسی شوروی سابق در منزل دامادشان آقای ولی‌الله چوپور داشتند. شب حالشان به هم می‌خورد در حالی که آب و تلفن منزل قطع شده و امکان تماس با پزشکی و مراجعه به بیمارستان منتفی می‌شود. در این شرایط به طور مشکوک ظاهراً به علت سکنه قلبی در ۶۹ سالگی دار فانی را وداع کردند.»

دبیرکل سابق نهضت آزادی در ادامه به نقش طالقانی در مدیریت شهری اشاره کرد و گفت: «در باره همکاری ایشان در مدیریت شهر تهران می‌توان به سخنرانی آقای طالقانی در باره طرح ترافیک محدوده مرکزی شهر تهران اشاره کرد. این طرح برنامه کوتاه‌مدت اصلاح ترافیک شهر بود که بعد از اسفند ۵۷ حدود شش ماه روی آن کار شده بود و طی چند مصاحبه اهداف آن اطلاع‌رسانی شده بود. موضوع رابه اطلاع آقای طالقانی رساندیم تا از تریبون نماز جمعه نیز لزوم اجرای طرح به اطلاع مردم برسد. ایشان در یکی از نمازهای جمعه اواخر مردادماه در سخنرانی بسیار مؤثری ضرورت استفاده از حمل و نقل عمومی برای تامین ایمنی و آرامش مردم را گوشزد کردند و این طرح را مفید معرفی کردند. کارشناسان همکار ما در شهرداری گفتند انتظار نداشتیم که یک روحانی بتواند یک مسئله کارشناسی را این اندازه خوب بیان کند. اجرای این طرح پس از چهار دهه به عنوان یک ضرورت ادامه دارد.» در ادامه نیز توسلی به همراهی او با نامگذاری خیابان شریعتی و خیابان امام خمینی پرداخت و گفت: «ایشان فرمودند: آیا برای این خیابان نامی انتخاب کرده‌اید؟ گفتیم چون حسینیه ارشاد در این خیابان واقع شده و دکتر شریعتی در آنجا نقش مؤثری در آگاهی‌بخشی به ویژه روی نسل جوان و تقویت جنبش اجتماعی قبل از انقلاب داشته، شورای نامگذاری پیشنهاد دکتر شریعتی را دارد. ایشان با روی گشاده گفتند: حتماً این کار را بکنید چون تصمیم درستی است. البته پس از درگذشت ایشان خیابان تخت جمشید به نام ایشان نامگذاری شد.» این فعال سیاسی و شهردار سابق تهران با اشاره به اینکه برای نامگذاری نباید از اسامی زنده‌ها استفاده کرد، تصریح کرد: «موضوع (نامگذاری خیابانی به نام امام خمینی) را در شورای نامگذاری مطرح کردیم در آنجا توصیه شد با آیت‌الله طالقانی مذاکره کنیم. با مراجعه مجدد خدمت ایشان، توصیه کردند درباره ایشان استثناء قائل شویم. با بررسی بعدی میدان سپه و خیابان سپه به نام امام خمینی با تأیید احمدآقا خمینی نام‌گذاری شد.»

آرمان‌هایی که به آن نرسیدیم

بررسی شکاف میان وعده‌ها و واقعیت زندگی مردم پس از ۴۷ سال



منصوره محمدی
خبرنگار گروه سیاست

آرمان‌هایی که انقلاب ایران را به نتیجه رساند، ابعاد گسترده‌ای از حقوق فردی و اجتماعی را وعده می‌داد. دفاع از مستضعفان و محرومان، ایجاد رفاه عمومی و کاهش فاصله طبقاتی، جلوگیری از فساد، آزادی بیان، حاکمیت قانون، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و پیشرفت اقتصادی و ارتقای جایگاه ایران در منطقه و جهان از جمله این وعده‌ها بود. اما گذشت زمان تحقق این وعده‌ها را بسیار سخت کرد. فاصله گرفتن از آرمان‌های انقلاب حالا در ادبیات بسیاری از چهره‌های انقلابی به رسمیت شناخته می‌شود. اگر زمانی چهره‌های اصلاح‌طلب و ملی گراها به این مسئله اشاره داشتند، و اصولگراها نافی آن بودند، اما حالا آنها نیز بر این موضوع تأکید دارند. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس اخیراً در یک کنفرانس بین‌المللی که در زمینه توسعه منطقه‌ای و عدالت اجتماعی برگزار شد به این موضوع اعتراف کرد و گفت: «چالش‌ها و مشکلاتی در این حوزه وجود دارد. آرمان‌هایی در باورها و ارزش‌های ما وجود دارد که باید به آن می‌رسیدیم؛ اما امروز با زندگی روزمره مردم همخوانی ندارد؛ لذا ابتدا باید این مشکل را بپذیریم و بهانه‌جویی نکنیم؛ اگر نپذیریم؛ یعنی بنا نداریم مسئله را به رسمیت بشناسیم. اگر مسئله‌ای به رسمیت شناخته نشود، قدرت حل آن را نیز نخواهیم داشت.» خواسته عمیق مردم ایران برای «تغییر»، سقوط رژیم پیشین و تاسیس نظام سیاسی جدید، مبنای بنیادی

شکل‌گیری انقلاب ایران بود که به همراه یک رویکرد دینی و اسلامی شکل گرفت. در پی انقلاب ایران، آرمان‌هایی ترسیم و قانون اساسی جدید نیز نگارش شد، اما با گذشت نزدیک به نیم قرن از این رخداد مردم ایران باز هم خواسته‌شان «تغییر» است چراکه معتقدند رویای ایرانی که انقلاب ترسیم کرده بود، در بسیاری از موارد تحقق نیافت.

▼ وعده‌های انقلابی

این آرمان‌ها چه بودند و چه آینده‌ای را برای ایران ترسیم می‌کردند و چه رویدادهایی منجر به شکاف میان مردم و آرمان‌های انقلاب شد؟ از دفاع از مستضعفان و تحقق عدالت تا وعده رفاه، ثبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ابعاد متعددی از آرمان‌های انقلاب ایران را پوشش می‌داند. امام خمینی، رهبر انقلاب ایران بارها در مصاحبه‌های گوناگونی گفته بود: «افتخار انقلاب ما حمایت از پابرهنگان و مستضعفان است»، «این از افتخارات و برکات کشور و انقلاب و روحانیت ما است که به حمایت از پابرهنگان برخاسته است و شعار دفاع از حقوق مستضعفان را زنده کرده است.» او استواری اسلام را از تمام کسانی که منجر به انقلاب ایران شدند طلب می‌کرد و اسلامی را تفسیر می‌کرد که به مرور از انقلاب ایران رنگ باخت: «فرزندان عزیز جهادی‌ام به تنها چیزی که باید فکر کنید، استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی است: اسلامی که غرب و در رأس آن آمریکای جهان‌خوار و شرق و در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلّت ن‌نشانند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگانند و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن ملحدان و کافران و سرمایه‌داران و پول‌پرستانند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از



عکس: بهمن‌جالی

سیدناصر قوامی فعال سیاسی اصلاح‌طلب:

اعتماد مردم به روحانیت با اتفاقات پس از انقلاب کاهش یافت

اصلاحات اساسی از جانب حاکمیت وقت به رهبر انقلاب در پاریس صورت گرفت. در این میان، گفته می‌شود برخی شخصیت‌ها مأموریت یافتند پیشنهاد اصلاح ساختار را مطرح کنند و نسبت به پیامدهای احتمالی فروپاشی هشدار دهند، اما این مسیر به نتیجه نرسید و با ادامه اعتراضات مردمی، روند انقلاب شتاب گرفت. بعد از انقلاب، شعرا و آرمان‌هایی که در آن زمان داده شده بود که مردم همسوا با انقلاب و آرمان‌های آن بودند، اما با گذشت زمان این همراهی کم‌رنگ‌تر شد و حالا یک شکاف عمیق میان مردم و حاکمیت وجود دارد.

▲ بعد از انقلاب چه اتفاقاتی رخ داد که میان مردم و آرمان‌های حاکمیت چنین گسستی رخ داد؟

بعد از انقلاب، کردستان از ایران جدا شده بود، شرایط در آن منطقه به گونه‌ای بود که یک گیتی گذاشته بودند و برای تردد شناسنامه‌ها را بررسی می‌کردند، اما در هر صورت نگذاشتند که کردستان تجزیه شود. از آن طرف در شهرهای دیگر هم اوضاع به‌هم‌ریخته بود و حزب خلق مسلمان از تبریز قیام کردند و مجاهدین خلق برای خودشان پایگاه نظامی در هر شهری ایجاد کردند و ترورها را شروع کردند و ۷۰ نفر را در یک ترور کشتند که شهید بهشتی و محمدمنتظری و... در میان آن‌ها بودند و در چنین فضایی بر خورد‌های امنیتی و سخت‌گیرانه از سوی حاکمیت افزایش یافت. یعنی عامل اصلی ایجاد خشونت اینها شدند و باعث

کردم و من را بازداشت کردند چند هزار نفر آمدند جلوی شهریانی. روحانیون نفوذ داشتند و هر جایی که می‌رفتند معتبر بودند و به آن‌ها ایمان و اعتماد داشتند. اما یکی از فاکتورها هم جنایتی بود که ساواک می‌کرد و اگر احساس خطر می‌کرد افراد را شکنجه می‌کرد و می‌کشت و کسی نبود که بگوید چرا. مثلاً شهید انصاری یک روحانی غیرسیاسی بود و او را بردند، یک ماه، دو ماه، یک سال و دو سال گذشت و خبری نشد و بعد از سه سال پسر آقای بهبهانی خبر دادند که ایشان فوت کرده و خانواده را به بهشت زهرا بردند و گفتند قبر وی اینجاست. در نتیجه ساواک هم در انقلاب مردم‌نقش داشت، آنها آیت‌الله سعیدی را در زندان کشتند، آیت‌الله غفاری را در زندان کشتند و علمای بزرگ را تبعید و زندانی کردند و کشتند و آنگونه شد که مردم به کل از این رژیم ناراضی‌تری پیدا کردند. تمایل مردم برای تغییر به گونه‌ای بود که با شناسنامه برای تظاهرات می‌رفتند، روحانیون جلوی صف و بدون ترس حرکت می‌کردند و مردم پشت سر آن‌ها، چراکه اینها را قبول داشتند. الان اینطور نیست و افراد شناسنامه‌دار جلو نمی‌افتند که بخواهند اقدام اعتراضی کنند. خیلی‌ها هم در همان زمان معتقد بودند که شاه باید بماند اما اصلاحات بنیادی انجام دهد، مثلاً نظر آقای طالقانی همین بود که اصلاحات بنیادی انجام شود. در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب، تلاش‌هایی از سوی برخی چهره‌های سیاسی برای انتقال پیام تمایل به انجام



مال و قدرت بی‌بهره بودند و دشمنان آن زراندوزان حیل‌گر، قدرتمداران بازی‌گر، مقدس‌نمایان بی‌هنرند.»

▼ از آزادی بیان تا آب و برق رایگان برای مستمندان

مهدی بازرگان، در نخستین سخنرانی خود به عنوان نخست‌وزیر دولت انقلابی به برادری در حکومت اسلامی، مسئله آزادی و دموکراسی در اسلام اشاره کرد و گفت: «حکومت اسلامی، حکومت برادری است. بنابراین همه موظفند در عین اینکه همه تابعه و کارمند دولتند همه باید کار کنند... اگر دولت‌های دموکراسی و مکتب‌های آزادی خواه خارجی‌ها به این حد از رشد رسیده یا ادعای رسیدن می‌نمایند که می‌گویند باید آزادی بیان و انتقاد داشته باشند، اسلام به آنها نه‌تنها آزادی بلکه وظیفه انتقاد و بیان را داده است؛ فرمایشی از پیغمبر است که آن قوم و ملتی که در آنجا حق ضعیف از قوی بدون لکنت و ترس و وا همه گرفته نشود آن قوم و ملت هیچ‌وقت مقدس و پاک و درست نخواهد شد.» بازرگان درباره جمهوری اسلامی نیز گفت: «این جمهوری، در واقع جمهوری دموکراتیک اسلام است، دموکراتیک یعنی اسلام. اسلام آئینی است که وقتی از خلق می‌گوید، منظورش همه انسان‌هاست بدون توجه به نوع و کارشان. بنابراین جمهوری اسلامی یک نظام آزاده و مبتنی بر دموکراسی است.» (۲۱ بهمن ۵۷، روزنامه اطلاعات)

بازرگان درباره معیشت و وضعیت رفاهی مردم نیز صحبت‌هایی کرد و وعده‌هایی داد. وی در روزهای پایانی سال در بازدید از محلات فقیرنشین جنوب تهران اعلام کرد: اتوبوس، برق و تلفن برای ساکنان جنوب تهران مجاني می‌شود. (۲۱ اسفند ۵۷) و پس از آن در مصاحبه تلویزیونی درباره وجود چنین لایحه‌ای که از قبل جهت ارائه به شورای انقلاب به تصویب رسیده است خبررسانی عمومی می‌کند. (۲۲ اسفند ۵۷). پس از طرح مسئله مجانی شدن آب و برق از سوی دولت موقت، امام خمینی در سخنانی در مدرسه فیضیه قم به ایجاد رفاه و زندگی مادی و معنوی مردم تأکید و درباره آب و برق رایگان می‌گوید: «ما علاوه بر اینکه زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه باشد، زندگی معنوی شما را هم می‌خواهیم مرفه باشد. شما به معنویات احتیاج دارید. معنویات ما را بردند اینها، دلخوش به این مقدار نباشید که فقط مسکن می‌سازیم، آب و برق را برای طبقه مستمند مجانی می‌کنیم، اتوبوس را برای طبقه مستمند مجانی می‌کنیم، دلخوش به این مقدار نباشید. معنویات شما را، روحیات شما را عظمت می‌دهیم. شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم. اینها شمارا منقطع کردند. اینقدر دنیا را پیش شما جلوه دادند که خیال کردید همه چیز این است. ما هم دنیا را آباد می‌کنیم و هم آخرت را.»

▼ دموکراسی به برکت انقلاب

آیت‌الله طالقانی نیز به عنوان یکی از چهره‌های انقلابی مؤثر آرمان‌هایی از انقلاب را ترسیم می‌کرد. برای نمونه وی در تلاش سازمان ملی دانشگاهیان برای پایان دادن به تحصن دانشگاه تهران در دی‌ماه سال ۵۷ در سخنرانی به استقلال دانشگاه از بدنه قدرت اشاره کرد و گفت: «آثار انحراف‌ها، توطئه‌ها که در مرکز دانشگاه، دانشگاه را بی‌اراده ساخته و استقلال علمی آن را فاقد ساخته بود، پاک شود و کسانی که به اسم دانشگاه این مکان را مرکز توطئه‌های وابستگی فرهنگی و سیاسی رژیم جبار و رژیم وابسته به استعمار و استبداد کرده بودند، از محیط دانشگاه طرد شوند. آلودگی‌ها پاک شود و دانشگاه به معنی حقیقی خود نزدیک شود. مرکز بحث و تحقیق باشد.» او همچنین در دیداری که با اقلیت‌های مذهبی در اسفند سال ۵۷ داشت بر آزادی در دیدار با نمایندگان اقلیت‌های مذهبی اشاره کرد و گفت: «اسلام آیین آزادی است و مسلماً در دموکراسی که به برکت انقلاب برقرار خواهد شد آزادی به‌طور کامل در جامعه ما برای همه افراد وجود خواهد داشت.» (۷ اسفند ۵۷)

▼ افسانه زاین اسلامی

با عبور انقلاب از بحرهای سال‌های نخست ورود ایران به جنگ